

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران

یاسمن توحیدیان^۱

مهرداد نوابخش^۲

حسین آقاجانی مرساء^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۹

چکیده

در شهر تهران، علیرغم تنوع هویت‌های اجتماعی که در سطح محلات، وجود دارد، همبستگی اجتماعی نسبی وجود دارد که در برخی مناطق تهدید کننده‌هایی این انسجام را تهدید می‌کند. هدف این تحقیق «بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات» می‌باشد. در مابقی نظری از نظریه‌های مرتبط استفاده شده و در پایان مدل نظری تحقیق، طراحی گردیده است. این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری کلیه افراد بالای ۱۵ سال در شهر تهران می‌باشد که ۷۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته و بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخ‌گویان توزیع گردید. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای استنباطی و با استفاده از نرم افزار spss، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری دارد. و طبق رگرسیون سعی شده در قالب تحلیل مسیر، به ترسیم نیکویی برآزش مدل نظری پرداخته شود. در بیش‌ترین و قوی‌ترین اثرات همبستگی اجتماعی، می‌توان به اثر مستقیم بر متغیرهای حقوق سیاسی به میزان (۰/۲۳۳)، حقوق قانونی به میزان (۰/۱۶۰)، حقوق مشارکت به میزان (۰/۲۳۴) و حقوق اجتماعی به میزان (۰/۱۷۲) و بر متغیر همبستگی اجتماعی که جمعاً وزنی برابر با ۰/۳۳۷ بر متغیر وابسته دارد.

واژگان کلیدی: آگاهی از حقوق شهروندی، حقوق سیاسی، حقوق مشارکت، حقوق قانونی، حقوق

اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). navabakhsh@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

هویت فرهنگی ایرانی، الگوی پیچیده و منسجمی متشکل از گروه‌های مختلف قومی است که به‌رغم الگوهای مختلف فرهنگی، هویت کلان فرهنگی ایرانی را شکل بخشیده‌اند. دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ مدیون گروه‌های مختلف قومی نظیر کردها، ترک‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌ها بوده است. چرا که هر یک با افزودن لایه‌های هویتی - فرهنگی به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند. کمی و کاستی‌ها و مؤلفه‌های مثبت و منفی آن نیز تنها متأثر از یک قوم نبوده بلکه در تعامل همه گروه‌های قومی با شدت و ضعف‌های مختلف شکل پذیرفته است (درویشی و امامی، ۱۳۸۹). بدین لحاظ هویت فرهنگی مردم ایران خود به نوعی جنبه‌های عام و فراگیر فرهنگ و هویت گروه‌های قومی بوده که در گذر زمان شکل یگانه، واحد و فرا قومی در حد و اندازه یک ملت کهن و دیرپا یافته است. از طرف دیگر هویت فرهنگی - ملی ایرانی چتر گسترده‌ای است که هویت‌های محلی - قومی را در درون خود دارد و عنصر پیوند دهنده اقوام است. یا به تعبیر دیگر، هر یک از اقوام تشکیل دهنده هویت فرهنگی ایران در حالی که برخوردار از هویت قومی ویژه‌ای هستند در عین حال زمینه گسترده‌ای از مشترکات، هویت فرهنگی یگانه آنان را موجب شده است (مقصودی، ۱۳۸۱: ۲۲۱).

شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقیق است و تحقق کامل آن نیازمند پیش شرط‌ها و الزامات خاص است که یکی از آن‌ها آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است. شهروندان هر کدام، بسته به وضعیت اقتصادی - اجتماعی و نوع برداشتنشان از این حقوق و تکالیف بر اساس منطق سود و زیان و نیز میزان ذخیره سرمایه اجتماعی‌شان، شیوه‌هایی را برای درگیر شدن در فعالیت‌های مدنی و حضور در جامعه در پیش می‌گیرند. این حضور در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی و گسترش درگیری‌ها و اشتغالات مدنی شهروندان در یک رابطه دو سویه با آگاهی از حقوق شهروندی قرار دارد. معلمان حضور آگاهانه و فعال در جامعه دارند آگاهی آنان از حقوق و تکالیف شهروندی منشا و ترویج دهنده این نوع آگاهی در سطح جامعه است (رشتیانی، ۱۳۹۶: ۲۵). حقوق شهروندی در چند دهه اخیر به یکی از پیچیده‌ترین مسایل سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. آگاهی از حقوق شهروندی باعث شناخت افراد نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی خود می‌شود که این آگاهی می‌تواند به رشد و توسعه سطح کیفی جامعه کمک کند (سن، ۲۰۱۵) و با توجه به نوع تأثیری که می‌گذارد تغییراتی را به دنبال خواهد داشت. آگاهی از حقوق شهروندی هم باعث می‌شود مطالبه‌گری از دولت در راستای اعطا حقوق شهروندی افزایش یابد هم با افزایش تعهدات شهروندان به سایر افراد جامعه شود و در نتیجه آن مشارکت را در حوزه‌های مختلف افزایش می‌دهد (احمدی و همکاران: ۱۳۹۲).

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران

بررسی موضوع همبستگی‌های اجتماعی در شهرها و دلایل کاهش یا افزایش آن از حیث نظری و تجربی از یک سیر تاریخی نه چندان طولانی برخوردار است. گسسته شدن محله‌ها و شکل‌گیری فضای جدید شهری به معماری بیگانه از فرهنگ بومی، نشان دهنده‌ی تغییرات اساسی در اوضاع اجتماعی-اقتصادی مردم، تغییر در هویت‌های اجتماعی و در بسیاری از موارد تهدیدی جدی برای همبستگی اجتماعی در سطح محلات شهر تهران به‌عنوان مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین شهر ایران می‌باشد. به‌عبارتی می‌توان گفت مدرنیسم نوعی هویت اکتسابی است که جامعه ایران در قرن نوزدهم به آن روی آورد و پایگاه فیزیکی آن از محله‌های شهر تهران آغاز شد. شهروند تهرانی از جنبه‌ی شخصیتی، درونی، هویتی و اجتماعی به موجودی چند ساحتی با لایه‌های متنوع و متکثر، قومی، زبانی، نژادی، سیاسی، مذهبی، ملی و ... تبدیل شده است. افراد با هویت‌های دورگه و دو گانه با دسترسی زیاد و رو به رشد به تکنولوژی و رقابت روز افزون با یکدیگر، در یک ارتباط موزاییکی و گاه بسیار دور از هم که تهدیدی جدی برای همبستگی اجتماعی است، قرار گرفته‌اند. تهران امروز منصفی ظهور افرادی با هویت‌های چندگانه و بعضاً متعدد و متناقض می‌باشد که با دسترسی زیاد و رو به رشد تکنولوژی در رقابتی ولع‌آور برای بهره‌گیری از افراد و مزایای مدرنیته هستند و این امر در بسیاری از موارد منجر به کاهش و یا حتی حذف همبستگی‌های اجتماعی شهرها، کلان‌شهرها و به ویژه شهر تهران می‌شود. در این شرایط شناسایی عوامل و متغیرهای دخیل در تنوع هویت‌های اجتماعی در شهر تهران می‌تواند عاملی مهم و تأثیرگذار تقویت پیوندها، همگرایی و همبستگی ملی و اجتماعی، باشد. اینک این سوال مطرح است که آیا آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند بر فضای ملموس و پر از چالش همبستگی اجتماعی تأثیرگذار باشد؟ اگر اینگونه است کدام یک از ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر بیش‌تری بر این روند دارد؟

چهارچوب نظری، متغیرهای مهم و مؤثر در شرایط مربوط به مسأله‌ای تعریف شده را شناسایی و نشان می‌دهد و ارتباطات بین متغیرها را به صورتی منطقی توصیف می‌کند. در چارچوب نظری روابط بین متغیرهای مستقل، وابسته و در صورت گستردگی، متغیرهای تعدیل‌گر و مداخله‌گر به شیوه‌ای علمی بنا می‌شوند. (خاکی، ۱۳۷۸: ۳۱). دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و همبستگی ملی متکثر و متنوع است. اتحاد ملی ممکن است بر پایه محورهای مختلفی در یک جامعه شکل بگیرد. برخی ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف و درد مشترک و دین مشترک را در زمره مؤلفه‌های همبستگی می‌دانند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶).

پاره‌ای از محققان کلاسیک مانند زیمل و تونیس نیز در چند دهه گذشته موضوع دگرگونی‌های بنیادی در ارکان زندگی جمعی و پیدایش اشکال جدید از روابط و مناسبات شهری را مورد توجه قرار داده‌اند. گرانیگاه این دسته از نویسندگان، توجه به جنبه‌های آسیب‌پذیری روابط اجتماعی و سر برآوردن عواملی بوده است که در نهایت به سست شدن بنیاد نظام روابط عاطفی، روانی و اجتماعی اعضای جامعه در شهر منجر می‌گردد. سخن زیمل در تحلیل ساختار شکننده و آسیب‌پذیر شهرهای نوین به دلیل غلبه

چیزوارگی از یک سو و انتقال از سپهر طبیعی و سنتی گذشته به فرجام پر اضطراب و نومید کننده کنونی از سوی دیگر و نیز بررسی تونیس و ماکس وبر و حتی آن دسته از مارکسیست‌های اولیه از تحول در اشکال مناسبات اجتماعی موجب گردید که مسأله خطر کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی شهرهای معاصر در کانون مطالعات شهری قرار گیرد. از نظر این دسته از نویسندگان، ویژگی شهرهای اقتصادی و تجاری جدید تنها در شکوفایی مادی و افزایش رونق اقتصادی شخصی و عمومی آن‌ها خلاصه نمی‌گردد، بلکه مکان‌های فوق‌الذکر در دوران نوین به قفس‌های زیبا و شکوهمندی تبدیل گردیده اند که در آن‌ها، روان، احساس، عاطفه، اخلاق و ارزش‌های پایدار انسانی بدون جایگزین‌های مناسب در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). هم‌چنین گی‌روشه بر این باور است که هر شخص تحت تأثیر محیط‌های مختلفی که بدان تعلق دارد و یا به آن رجوع می‌کند، هویت خود را توسعه می‌دهد. آن‌چه که شخصیت اجتماعی مطرح است همان هویتی است که شخص در جایی در جامعه برای خود تبیین می‌کند که در واقع نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل وی می‌بخشد. (روشه، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

از نظریه جانوسکی (شهروندی و وابستگی متقابل حقوق و مسئولیت‌ها) چنین بر می‌آید که مسئولیت‌ها و وظایف شهروندان از طریق مجازات (تنبیه و پاداش)، نیز تقویت می‌شوند. اما نکته‌ای که در اینجا باید ملاحظه نظر قرارداد آن است که مجازات‌ها لزومی ندارد منفی و اجباری باشد، بلکه باید بیش‌تر جنبه تقویت‌کنندگی داشته باشند. مجازات‌ها باید در پیوند با دولت باشند تا از پشتوانه قویتری برخوردار شوند. حقوق و مسئولیت‌ها به‌طور کامل به هم نزدیک و با هم در ارتباط هستند. وجود یک حق به‌طور همزمان حضور یک مسئولیت را قابل پیش‌بینی می‌سازد. در واقع اگر جوامع مسئولیت‌هایشان را نادیده بگیرند هرگز نمی‌توانند حقوقشان را استیفا و تقویت کنند. مسئولیت‌ها همیشه به‌طور متناظر با یک حقوق ارتباط نمی‌یابند بلکه آن‌ها در یک سیستم گسترده از حقوق و وظایف با هم در ارتباط هستند (همان، ۶۹-۶۱). جانوسکی در توسعه‌ای که از کار مارشال بدست داد به طبقه‌بندی مارشال از حقوق شهروندی حقوق مشارکت را نیز ابتدا اضافه کرد. به نظر او حقوق مشارکت شامل ایجاد حق برای دولت در عرصه‌های خصوصی، خواه در بازار یا در سازمان‌های عمومی می‌باشد. وی شهروندی را این‌چنین تعریف می‌کند: شهروندی، عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت-ملت با حقوق و تعهدات همگانی در سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد. در این تعریف شهروندی با عضویت در درون یک سرزمین از نظر جغرافیایی تعریف شده شروع می‌شود. این عضویت همراه با حقوق و تعهدات فعال و منفعل می‌باشد که منفعل بودن یعنی وجود داشتن و فعال بودن یعنی توانایی و ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها (جانوسکی، ۱۹۹۸؛ به نقل از وکیل‌ها، ۱۳۹۶).

جانوسکی جامعه را به چهار مؤلفه تقسیم می‌کند که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، فضای دولت، فضای خصوصی، بازار و فضای عمومی. وی سپس به تعمیم کار بندیکس می‌پردازد. در ارجاع به حقوق

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران

مدنی به عنوان اظهار قانونی بودن یا وجود داشتن و حقوق سیاسی به عنوان قدرت قانونی کنش. بودن به معنای اینکه شخص، حقوقی دارد که یک موقعیت منفعل است، به میزان زیادی وابسته به آزادی‌ها و ادعاها می‌باشد. انجام دادن به این معنی است که شخص فراحقی برای خلق و تولید دارد که در فرآیند فعال به وسیله قدرت‌ها توصیف می‌شود (جانوسکی، ۱۹۹۸؛ به نقل از وکیل‌ها ۱۳۹۶). حقوق هم‌چنین می‌تواند بر اساس فضای عمومی و خصوصی طبقه‌بندی شود. حقوق عمومی شامل حقوق مدنی و سیاسی و حقوق خصوصی شامل حقوق اجتماعی و حقوق مشارکت است. به عبارتی جانوسکی یک مدل از حقوق و تعهدات شهروندی را بر چهار قسم قانونی، اجتماعی، سیاسی و مشارکتی می‌داند. بنابراین در تحقیق حاضر تأثیر چهار قسم از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی سنجیده می‌شود.

با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

۱- آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیرگذار است.

۱-۱- حقوق سیاسی بر همبستگی اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیرگذار است.

۲-۱- حقوق قانونی بر همبستگی اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیرگذار است.

۳-۱- حقوق مشارکت بر همبستگی اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیرگذار است.

۴-۱- حقوق اجتماعی بر همبستگی اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیرگذار است.

روش

این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و از روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که توسط محقق طراحی و بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان توزیع گردید. برای این منظور ابتدا برای جمع‌آوری مطالب مربوط به موضوع مطالعه به منظور ایجاد پشتوانه علمی و نظری با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای مبانی نظری و تجربی در داخل و خارج از کشور جمع‌آوری شد. حجم نمونه ۷۳۰ نفر می‌باشد. در این تحقیق، انتخاب نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است. ابتدا جامعه آماری را به قسمت‌های خاص تقسیم می‌کنند که به آن خوشه گفته می‌شود. سپس از این خوشه‌ها با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده افراد نمونه انتخاب می‌شوند. شهر را به پنج بخش شمال، جنوب، شرق و غرب و مرکز شهر تقسیم نموده و از هر بخش منطقه‌ای را به‌طور تصادفی انتخاب نموده (منطقه ۱۸ نماینده جنوب تهران، منطقه ۱۲ نماینده مرکز، منطقه ۱ نماینده شمال تهران، منطقه ۴ نماینده شرق تهران و منطقه ۵ نماینده غرب تهران) انتخاب شد. پس از دریافت نقشه منطقه منتخب چند بلوک به طور تصادفی از ناحیه ۲ هر منطقه انتخاب گردید.

برای اطمینان از روایی محتوا، در موقع ساختن ابزار سعی شد که سوال‌های تشکیل دهنده ی ابزار معرف قسمت‌های محتوای انتخاب شده باشد و به افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه داده شد.

زیرا که اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. نتیجه حاصل شده و طبق نتایج حاصل از ارزیابی سوالات پرسشنامه، که در مرحله اول سوالات ۳ سوال مورد تأیید کارشناسان قرار نگرفت و پس از حذف سوالات رد شده توسط کارشناسان و لحاظ آن در پرسشنامه همه سوالات مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. سوالات پرسشنامه با اعتبار بالا یعنی ۰/۹، ۰/۸ و ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت. برای پایایی ابتدا پرسشنامه تهیه شده روی یک نمونه ۲۵ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفای کرونباخ همه مؤلفه‌های آن بدست آمد که بالای ۰/۷ می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS، از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی روابط بین متغیرها بررسی و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
حقوق سیاسی	۸	۰/۸۹
حقوق مشارکت	۶	۰/۷۳
حقوق اجتماعی	۹	۰/۹۰
حقوق قانونی	۸	۰/۷۵
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۶	۰/۷۷
همبستگی اجتماعی	۸	۰/۸۰

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ در این پژوهش، پرسشنامه در میان ۷۳۶ نفر از شهروندان تهران، توزیع شد. از نظر سطح تحصیلی ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۲۴/۹ درصد زیردیپلم، ۴۴/۴ دیپلم و ۱۲/۵۶ لیسانس و بالاتر هستند. از نظر وضعیت تأهل پاسخگویان، ۸۸/۱ درصد از پاسخگویان متأهل و ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان مجرد هستند. بیش‌تر پاسخگویان مرد هستند که ۶۵/۵ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. ۳۴/۵ درصد هم زن هستند. ۳۰/۴ درصد از پاسخگویان درآمد زیر یک میلیون هستند، ۳۶ درصد یک تا یک و نیم میلیون، و ۲۵/۷ درصد یک و نیم تا دو میلیون و ۷/۹ درصد هم بیش از دو میلیون درآمد دارند. بیش‌تر پاسخگویان مالک هستند که ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند و ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان مستاجر هستند و ۱/۲ درصد هم وضعیت مسکن خود را مشخص نکرده‌اند. از نظر مدت سکونت در مسکن کنونی نیز ۸/۹ درصد از پاسخگویان مدت سکونت‌شان کم‌تر از یک یکسال، ۵۰/۸ یک تا پنج سال، ۲۷/۴ بین پنج تا ده سال، ۱۲/۸ بالاتر از ده سال در آن مکان سکونت دارند. بنابراین بیش‌ترین مدت سکونت بین یک تا پنج سال است.

یافته‌های استنباطی؛ جدول زیر نشان دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل قوم‌گرایی، توسعه نابرابر، نگرش نسبت به جهانی شدن و ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی، روحیه فردگرایی، آگاهی از حقوق شهروندی) با «همبستگی اجتماعی»، به‌عنوان متغیر

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران

وابسته است که از آزمون‌های مرتبط استفاده شده است، نتیجه آزمون‌ها به‌طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول (۲): خلاصه آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب	نتیجه
۱	حقوق سیاسی * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	تأیید
۲	حقوق قانونی * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	تأیید
۳	حقوق اجتماعی * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۶۵	تأیید
۴	حقوق مشارکت * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	تأیید
۵	پایگاه اقتصادی- اجتماعی * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	تأیید
۶	جنس * همبستگی اجتماعی	تی تست	۰/۰۰۹	۶/۷۷۷	تأیید
۷	تحصیلات * همبستگی اجتماعی	اسپیرمن	۰/۰۰۱	۰/۱۸۱	تأیید
۸	سن * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۱	-۰/۱۹۹	تأیید
۹	وضعیت تاهل * همبستگی اجتماعی	پیرسون	۰/۲۰۸	۱/۵۹۳	رد

در رابطه با تأثیر متغیر حقوق سیاسی بر همبستگی اجتماعی مشاهده گردید که بین حقوق سیاسی و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. طبق آزمون ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با $(I= ۰/۳۱۴)$ و سطح معناداری $(۰/۰۰۰)$ ، است که نشان‌دهنده شدت رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حقوق سیاسی بر همبستگی اجتماعی افراد تأثیر داشته است. در رابطه با تأثیر متغیر حقوق قانونی بر همبستگی اجتماعی مشاهده گردید که بین حقوق قانونی و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با $(I= ۰/۲۰۳)$ و سطح معناداری $(۰/۰۰۰)$ ، است که نشان‌دهنده شدت رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حقوق قانونی بر همبستگی اجتماعی تأثیر داشته است. در رابطه با تأثیر متغیر حقوق اجتماعی بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (I) مشاهده گردید که ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با $(I= ۰/۳۶۵)$ و سطح معناداری $(۰/۰۰۰)$ است که نشان‌دهنده شدت رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حقوق اجتماعی بر همبستگی اجتماعی افراد تأثیر داشته است.

در رابطه با تأثیر متغیر حقوق مشارکت بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (I) مشاهده گردید که بین حقوق مشارکت و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با $(I= ۰/۱۲۹)$ و سطح معناداری $(۰/۰۱۳)$ است که نشان‌دهنده رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حقوق مشارکت بر همبستگی اجتماعی تأثیر داشته است. در رابطه با تأثیر متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر همبستگی اجتماعی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (I) مشاهده گردید که: بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با $(I= ۰/۰۹۷)$ و سطح معناداری $(۰/۰۷۴)$ است که نشان‌دهنده رابطه در جهت منفی است. به این معنا که پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر همبستگی اجتماعی تأثیر نداشته است. نتیجه آماری متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر همبستگی اجتماعی: متغیر «جنس» متشکل از دو مقوله

زن و مرد است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «همبستگی اجتماعی» از آزمون T تست مستقل استفاده شد. تفاوت همبستگی اجتماعی در دو گروه زنان و مردان تأیید می‌شود. با توجه به میانگین رتبه‌ها، رضایت و تأثیرپذیری مثبت از همبستگی اجتماعی در میان زنان بیش‌تر می‌باشد.

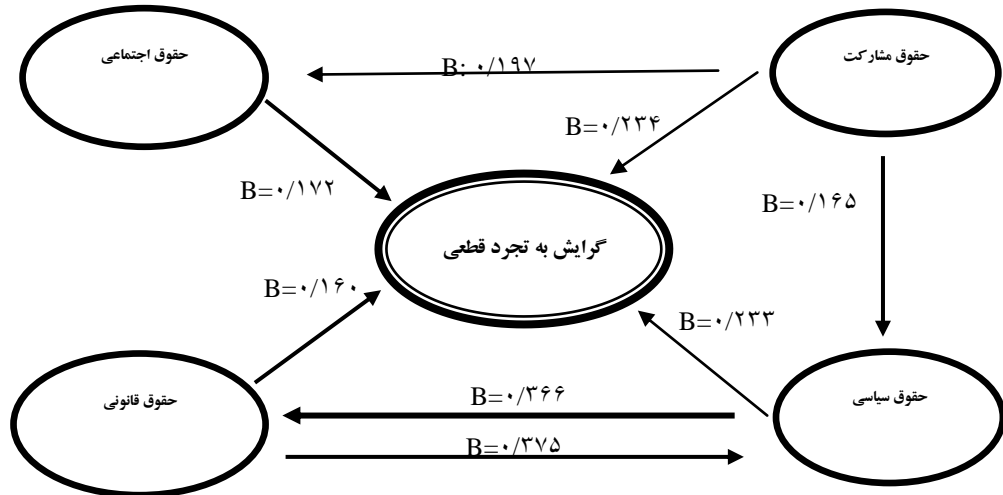
بررسی تأثیر متغیر زمینه‌ای مستقل سطح تحصیلات بر همبستگی اجتماعی: با توجه به سطح متغیرها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig}=0/181$ است. نشان از معنی‌داری رابطه تحصیلات و همبستگی اجتماعی می‌باشد. میزان همبستگی اسپیرمن $0/001$ است. به این معنا که هرچه تحصیلات بالاتر رود، رضایت و تأثیرپذیری مثبت از همبستگی اجتماعی بیش‌تر است. بررسی تأثیر متغیر زمینه‌ای مستقل سن بر همبستگی اجتماعی: با توجه به سطح شبه فاصله‌ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig}=0/001$ است که نشان از معنی‌داری رابطه سن و همبستگی اجتماعی می‌باشد. هم‌چنین میزان همبستگی پیرسون $-0/199$ است که نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سن بالاتر رود همبستگی اجتماعی کم‌تر است.

بررسی تأثیر متغیر زمینه‌ای مستقل وضعیت تأهل بر همبستگی اجتماعی: متغیر «وضعیت تأهل» متشکل از دو مقوله مجرد و متأهل است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «همبستگی اجتماعی» از آزمون T تست مستقل استفاده شد. با توجه به سطح معناداری آزمون لون، $\text{Sig}=0/208$ می‌باشد. فرضیه $H1$ مبنی بر وجود تفاوت همبستگی اجتماعی در دو گروه مجرد و متأهل تأیید نمی‌شود. و تفاوتی بین رضایت مجردها و متأهلها وجود ندارد. برای تبیین سهم عوامل تهدید کننده همبستگی اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار وارد آزمون رگرسیون شده‌اند. در تحلیل رگرسیون چندگانه، با استفاده از روش همزمان (در سطح معناداری قابل قبول)، با ترسیم معادله رگرسیون استاندارد، می‌توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل به اندازه ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت. در تحلیل رگرسیون چندگانه، آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی به عنوان متغیر مستقل و همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

جدول (۳): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره همبستگی اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معناداری
	B	اشتباه استاندارد	Beta	ضرایب استاندارد		
عدد ثابت (Constant)	۲۲/۵۶۲	۴/۶۸۴	-	۴/۸۱۷	۴/۸۱۷	۰/۰۰۰
حقوق اجتماعی	-/۴۳۱	۰/۲۱۷	-/۱۷۲	-/۴۰۳	-/۴۰۳	۰/۰۲۱
حقوق مشارکت	-/۹۷۹	۰/۲۵۸	۰/۲۳۴	۳/۷۹۳	۳/۷۹۳	۰/۰۰۰
سن	-/۱۴۱	۰/۲۱۹	-/۰۴۰	-/۶۴۳	-/۶۴۳	۰/۵۲۱
حقوق قانونی	-/۵۵۳	-/۲۲۷	-/۱۶۰	-/۴۳۸	-/۴۳۸	۰/۰۱۶
حقوق سیاسی	۱/۰۵۷	۰/۲۷۳	۰/۲۳۳	۳/۸۶۷	۳/۸۶۷	۰/۰۰۰

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران



نمودار (۱): مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان همبستگی اجتماعی

بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر همبستگی اجتماعی می‌توان گفت:

- ۱- میزان همبستگی اجتماعی تحت تأثیر مستقیم حقوق سیاسی به میزان (۰/۲۳۳)، حقوق قانونی به میزان (۰/۱۶۰)، پایگاه اجتماعی به میزان (۰/۲۳۴) و حقوق اجتماعی به میزان (۰/۱۷۲) می‌باشد.
- ۲- شاخص حقوق قانونی، تحت تأثیر مستقیم مؤلفه‌های حقوق سیاسی (به میزان ۰/۳۶۶) قرار دارد.
- ۳- شاخص حقوق سیاسی، تحت تأثیر مستقیم پایگاه اجتماعی (به میزان ۰/۱۶۵)، حقوق قانونی به میزان (۰/۳۷۵) می‌باشد.
- ۴- حقوق اجتماعی، تحت تأثیر مستقیم حقوق قانونی (به میزان ۰/۱۹۷) می‌باشد.

جدول (۴) تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان همبستگی اجتماعی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (βi) بر میزان همبستگی اجتماعی			
آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی	تأثیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
حقوق سیاسی	۰/۲۳۳	۰/۳۶۶	۰/۵۹۹
حقوق اجتماعی	۰/۱۷۲	-	۰/۱۷۲
حقوق قانونی	۰/۱۶۰	۰/۳۷۵	۰/۵۳۵
حقوق مشارکت	۰/۲۳۴	۰/۱۹۷	۰/۴۳۱
مجموع تأثیرات	۰/۷۹۹	۰/۹۳۷	۱/۷۳۷

طبق جدول فوق، سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر همبستگی اجتماعی، به ترسیم نیکوئی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیش‌ترین و قوی‌ترین تأثیر بر همبستگی اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم میزان همبستگی اجتماعی تحت تأثیر مستقیم حقوق سیاسی به میزان (۰/۲۳۳)،

حقوق قانونی به میزان (۰/۱۶۰)، حقوق مشارکت به میزان (۰/۲۳۴) و حقوق اجتماعی به میزان (۰/۱۷۲)، اشاره کرد.

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر ($R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0/663 = 0/337$) عدد ۰/۳۳۷ را نشان می‌دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۰/۳۳ درصد از واریانس میزان همبستگی اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده (۰/۳۳۷ = مقدار واریانس تبیین شده) و ۶۶/۳ درصد واریانس میزان همبستگی اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش‌بینی نشده‌اند ($1 - R^2 = 0/663 = 0/337$ مقدار واریانس تبیین نشده). بنابراین همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین برابر است با: $R^2 = 0/337$ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۳۳ درصد میزان تأثیر از همبستگی اجتماعی را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۶۶ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای افزایش میزان همبستگی اجتماعی بر روی عواملی چون: حقوق مشارکت، حقوق سیاسی، حقوق قانونی، حقوق اجتماعی باید تأکید نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در دهه‌های اخیر مسأله‌ای مهم است. آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی باعث شناخت افراد نسبت به حقوق شهروندی خود می‌شود که این آگاهی می‌تواند به رشد و توسعه سطح کیفی جامعه کمک کند و با توجه به نوع تأثیری که می‌گذارد تغییراتی را به دنبال خواهد داشت. افزایش آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و کسب تجارب متفاوت، گاه باعث تأثیر و یا تغییر در انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتار آن‌ها شده است. آگاهی و شناخت از این حقوق، همبستگی و اتحاد را به نسبت بالا می‌برد. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۳). همان‌طور که در این تحقیق نشان داده شد شهروندان تهرانی در محلات این شهر نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی و مسئولیت‌های آن از آگاهی اندکی برخوردار هستند، بنابراین در چنین شرایطی، سیاست‌ها، برنامه‌ها، و ضوابط قانونی در صورت فقدان آگاهی عمومی به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید. لذا تحقق و توسعه فرهنگ شهروندی مستلزم آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است که خود باعث می‌شود رعایت نظم و قانون در راستای اعطای حقوق و تکالیف شهروندی در حوزه‌های مختلف افزایش می‌دهد. همان‌طور که در بخش آماری نتایج نشان داده شد، در بیش‌ترین و قوی‌ترین تأثیر مؤلفه‌های آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی، می‌توان به اثر مستقیم متغیرهای حقوق سیاسی به میزان (۰/۲۳۳)، حقوق قانونی به میزان (۰/۱۶۰)، حقوق مشارکت به میزان (۰/۲۳۴) و حقوق اجتماعی به میزان (۰/۱۷۲) اشاره نمود. در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر ($R^2 = 0/337$) را نشان می‌دهد.

بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر همبستگی اجتماعی در سطح محلات تهران

با توجه به اهمیت موضوع کاهش همبستگی‌های اجتماعی در کلان شهرهای جدید به ویژه در کشورهای موسوم به درحال توسعه به شکل نگران کننده‌ای توجه جامعه‌شناسان، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده است. توجه به هویت‌های اجتماعی متنوع در شهر تهران از این حیث دارای اهمیت است که چگونه ممکن است در کنار آسمان خراش‌های عظیم، معماری توسعه‌یافته مدرن، تکنولوژی رو به رشد و در دسترس همگان، همبستگی اجتماعی را حفظ کرده و با عوامل تهدید کننده آن به مقابله پرداخت.

منابع

- احمدی، سیروس؛ دوکوهکی، لیلا؛ محمد، حاجی پور. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه کیفیت زندگی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان ۴۴-۲۵ ساله شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.
- بی، ارل. (۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه‌ی رضا فاضل، تهران: سمت.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۶). کلمه نهایی، شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران. نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی. ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۷۸). روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز تحقیقات علمی کشور، کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
- درویشی، فرهاد، امامی، اعظم. (۱۳۸۹). قومیت‌ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران / چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۰.
- رشتیانی، آذر. (۱۳۹۶). مطالعه و بررسی زمینه‌ها و تنگناهای جامعه‌شناختی فرآیند شکل‌گیری و گسترش شهروندی جهانی در ایران و بریتانیا. رساله دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- روشه، گی. (۱۳۷۰). کنش اجتماعی، ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، چاپ دوم، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۱). قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران. مجله نامه پژوهش، شماره ۲۲ و ۲۳.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). کاهش همبستگی اجتماعی در کلان شهرها. مجله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. دوره ۶، شماره ۴.
- نیازی، محسن، جعفرپور برزکی، مرتضی، شفائی مقدم، الهام. (۱۳۹۳). تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم.

- وکیل‌ها سمیرا. (۱۳۹۶). موانع و محدودیت‌های ساختاری در تعهد به اخلاق شهروندی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- Stryker sheldon and peter. j. burke. (2000). the post present and future of an identity theory social psychology quarterly .
- Chua, A. (2002). The influence of social interaction on knowledge creation. Journal of Intellectual Capital, 3, 375-392.
- Fulya Sen. (2015). Communication and human rights ،Procedia - Social and Behavioral Sciences 174 (2015) 2813 – 2817.